

اسطوره‌ها در زبان روان‌شناسی و روان‌پزشکی - ۲

دکتر مجید صادقی

است که عمدتاً در سنین نوجوانی بروز می‌کند. این اصطلاح را نخستین بار هکر (E. Hecker) در قرن نوزدهم به کار برد. *اسطوره‌شناسی*: در اساطیر یونان، هبه تجسم جوانی و دختر زئوس، خدای خدایان و هرا، بوده است.

کمپلکس ادیپ (Oedipus complex)

در تئوری‌های روان‌پویایی، کمپلکس ادیپ جزء مراحل رشد روانی-جنسی محسوب می‌شود و عبارت است از احساس اروتیک پسر سه تا پنج ساله به مادر که با حسادت، ترس و تخاصم به پدر توأم است. تعارض ناشی از کمپلکس ادیپ، به دنبال همانند سازی پسر با پدر خاتمه می‌یابد.

اودیپسیم (Oedipism)، همچنین، آسیب‌رسانی عمدی به چشم خود می‌باشد که بیشتر در کودکان گزارش شده است. علت آن نا مشخص است، ولی گاهی برای جلب توجه والدین صورت می‌گیرد.

اسطوره‌شناسی: ادیپ، قهرمان یکی از معروفترین تراژدی‌های یونان است. وی

آرامش حضور او را مختل می‌کردند، به ناگاه با ظاهر غریب و ترسناک خود بر آنها ظاهر و موجب وحشت شدید و گریز آنها می‌شد. کسی که دچار حمله پانیک می‌شود، چنان دچار وحشت می‌شود که گویی Pan را دیده است.

عقدۀ میدیا (عقدۀ فرزندکشی)

اقدام مادر برای قتل فرزندانش، نوعی کودک‌کشی (Infanticide) است که در پسیکوزهای بعد از زایمان و خودکشی‌های گسترده (Extended Suicides) روی می‌دهد.

اسطوره‌شناسی: میدیا (medea) نوادۀ خورشید (Helios) و اقیانوس (Ocean) و همسر جیسون (Jason) بوده است. وی به دلیل خیانت همسر، فرزندان را که از او داشت به قتل می‌رساند و خود به وسیلهٔ اربابه‌ای که جد وی، خورشید، آن را فرستاده بود به آسمان پرواز می‌کند.

Hebe-

پسوندی است به معنای نوجوان که عمدتاً در کلمۀ Hebephrenia به کار می‌رود. هبفرنی از انواع اسکیزوفرنی

فوبیا

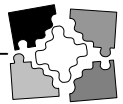
ترس بیش از حد، غیر واقعی، غیرقابل کنترل و مرضی از افراد، اشیا و موقعیت‌های خاص است.

اسطوره‌شناسی: فوبی منسوب به فوبوس (phobos) است که در اسطوره‌های یونانی، از فرشته‌های مذکر و تجسم ترس محسوب می‌شود.

پانیک

حمله اپیزودیک اضطرابی که به صورت حاد و شدید بروز می‌کند و توأم با وحشت شدید، ترس از مرگ یا جنون و تغییرات سیستم عصبی خودکار همراه است.

اسطوره‌شناسی: pan خدای شبان‌ها و گله‌ها بود. او را به شکل موجودی با دو شاخ، چهره‌ای پرمو و پرچین و چانه‌ای برآمده تصویر می‌کردند. نیمۀ فوقانی بدن او به شکل انسان و نیمۀ تحتانی، شبیه بز و دارای دم و سم‌هایی با دو شکاف بود. پان بسیار چالاک بوده، به سرعت می‌دوید و از تخته سنگ‌ها بالا می‌رفت. وی در سایهٔ درختان جنگلی به استراحت می‌پرداخت و زمانی که عابران



پسر لایوس پادشاه تب بوده است. پیشگویان پیش از تولد او هشدار داده بودند که فرزند به دنیا نیامده، پدر خود را می‌کشد و با مادر خود وصلت می‌کند. لایوس برای آنکه از عواقب پیشگویی نجات یابد، به محض تولد فرزند، او را به خدمتگزار خود می‌سپارد تا سر راه بگذارد، اما خدمتگزار، ادیپ را به چوپانان بیگانه می‌سپرد. ادیپ نزد آنان بزرگ می‌شود و به سن جوانی می‌رسد. روزی، در حال عبور از راه باریکی در نزدیکی شهر، با کاروان حامل لایوس برخورد می‌کند. جارچی لایوس به او دستور می‌دهد که راه را برای پادشاه باز کند و چون او سرپیچی می‌کند، اسب ادیپ را می‌کشد. ادیپ نیز به خشم می‌آید و جارچی و لایوس را به قتل می‌رساند و به این ترتیب بخش نخست پیشگویی محقق می‌شود. هنگامی که ادیپ به تب می‌رسد به ابوالهول (Sphinx) که موجودی نیمه شیر و نیمه انسان بود، برخورد می‌کند و او را از بین می‌برد. با این اقدام، او مورد توجه اهالی تب قرار می‌گیرد و مردم برای حق شناسی از او، بیوه لایوس را به همسریش درمی‌آورند و وی را به شاهی برمی‌گزینند. اما به زودی راز تولد ادیپ از پرده بیرون می‌افتد و او در می‌یابد که پدر خود را به قتل رسانده و با مادرش ازدواج کرده است. مادر ادیپ خود را می‌کشد و ادیپ نیز با یک میله آهنی چشمان خود را سوراخ می‌کند.

کمپلکس الکترا (Electra Complex)

این اصطلاح را نخستین بار کارل گوستاو یونگ به کار برد. کمپلکس الکترا، همتای مؤنث کمپلکس ادیپ است و برای توصیف عشق دختر به پدر، حسادت به مادر و سرزنش او برای محروم کردنش از آلت تناسلی مردانه به کار می‌رود. اسطوره شناسی: الکترا، دختر آگاممنون (Agamemnon) و کلی تم نسترا (Clytemnestra) بوده است. پس از کشته شدن آگاممنون، پدر و مادر الکترا، با همراهی هم، عمومی الکترا، اورستس (Orestes)، را با خود همدست می‌کنند تا مادرشان را به قتل برسانند.

تمایل جنسی شدید در زن (Nymphomania)

اسطوره شناسی: نیمف‌ها (Nymphes) زنان جوانی بودند که در بیلاق‌ها، جنگل‌ها و آب‌ها به سر می‌بردند. آنها را روح طبیعت می‌دانستند و خود معرف حاصلخیزی و لطف و زیبایی محسوب می‌شدند. عشاق و دلدادگان آنها معمولاً خدایان مذکر از قبیل پان، ساتیرها و خدایان باروری مردانه و سمبل آلت تناسلی مردانه (priape) بودند.

تمایل جنسی شدید در مرد (Satyriasis)

اسطوره شناسی: ساتیرها (Satyres) خدایان مذکر طبیعت بودند. نیمه فوقانی بدن آنها به شکل انسان و نیمه تحتانی به صورت اسب بوده است. آنها دم بلند و پرمویی شبیه دم اسب داشتند و کارشان باده‌نوشی و تعقیب نیمف‌ها و ارضای خواهش‌های نفسانی بوده است.

منابع

گریمال، پ. (۱۳۶۷). فرهنگ اساطیر یونان و روم. (ترجمه بهمنش) تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.

Corsini, R.J. (1991). The dictionary of psychology. Brunner/Mayel.

Dorland, W.A. (1981). Dorland's Illustrated Medical Dictionary, 26th edition, Philadelphia: B. Saunders Company.